

بسمی تعالی

جزوه اندیشه ۲

استاد:

"جلال حیدر آبادی"

WWW.ME2CH.COM

توجه توجه توجه پیشنهاد دوستانه:

از این جزوه برای خواندن حتما کپی

گرفته شود. (ما چشماتونو دوست داریم)

تعریف لغوی و اصطلاحی دین را بنویسید؟

دین در لغت به معنای فرمانبرداری، خضوع، اطاعت، تسلیم و جزا و در اصطلاح مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که خداوند از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت انسان نازل فرموده است.

ابعاد دین را بنویسید؟

عبارت اند از بعد شناختی، آموزه‌ای، اخلاقی، فردی، عبادی، اقتصادی، حکومتی، حقوقی و جزای ...

ملاک دین حق و دین ناحق را بنویسید؟

دین بدون تحریف دین حق و دین با تحریف دین باطل است.

پیشینه دین در تاریخ را بنویسید؟

همزمان با پیدایش انسان اولین پیامبر آدم بود که دینش مشتمل بر یکتا پرستی، اعتقاد به معاد، اعتقاد به بعثت انبیاء و تعدادی قواعد اخلاقی و عملی بود.

فطری بودن دین را توضیح دهید؟

دین امری است فطری بدین معنا که دین مجموعه اعتقادات و اعمالی است که فطرت و ساختار وجودی انسان آن را اقتضاء می‌کند، معرفت و گرایش به خدا در نهاد انسان است. میل به جاودانه زیستن و میل به راحتی مطلق میل فطری است.

هر کس از فطرت خود فاصله نگرفته باشد در برابر دستورات دینی از جمله عبادات و پرستش‌گردن می‌نهد.

مراتب دین را بنویسید؟

دین دارای حقیقت واحدی است ولی بر حسب درجات کمال و بر اثر استعداد امت‌های گذشته و آینده فرق می‌کند.

نخستین راه و روش توسط حضرت آدم (ع) و بعد به وسیله حضرت نوح (ع) اولین شریعت را برای انسان نازل و کاملترین شریعت را توسط پیامبر اسلام معرفی کرد.

زبان انجیل و تورات ابری است چون حضرت ابراهیم (ع) از دجله و فرات عبور کرد که به آن ابری، عبوری، ابرانی می گویند.

آقایون یهودی ادعای کد خدایی دنیا را دارند چون از نسل ابراهیم و ساره هستند (ساره اشراف زاده بود) و نسل اسلام از ابراهیم و هاجر (هاجر از طبقه پایین جامعه بود) هست.

حضرت یعقوب (ع) (یعقوب پسر اسحاق) ۱۲ فرزند دارد که به اسباط معروف اند.

پیدایش صهیونیسم را توضیح دهید؟

یهودیت تبلیغ ندارد. چرا؟

ولی اگر کسی خواست یهودی شود او را می پذیرند. یهودیان مردم را به صهیونیسم می خوانند. صهیون نام تپه ای است در اورشلیم که در زمان حضرت داوود و حضرت سلیمان مرکز حکومت مقتدر یهودیت بود.

در قرن ۱۹ یهودیان از روسیه اخراج شدند. عده ای در غرب اروپا ساکن و عده ای به فلسطین رفتند. در سال ۱۹۱۷ در اعلامیه بالفور از طرف انگلستان موافقت با تشکیل دولت مستقل یهودی در فلسطین شد. در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل رای به تقسیم فلسطین داد و در سال ۱۹۴۸ کشور اسرائیل اعلام موجودیت کرد. اولین نفری که ادیشه تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین را ارائه داد تئودور هرتزل روزنامه نگار یهودی بود.

خصوصیت های کتاب مقدس را بنویسید؟

کتاب مقدس دو بخش دارد:

۱ عهد قدیم (عتیق)

۲ عهد جدید

یهودیت (عهد قدیم)، مسیحیت (عهد قدیم و عهد جدید)

کتاب مقدس در زبان اروپائی بایبل و در زبان فارسی و عربی عهدین خوانده می شود.

یهودیان معتقدند که خدا یک پیمان با انسان بسته و آن شریعت حضرت موسی است که عهد قدیم نام دارد و مسیحیان علاوه بر عهد قدیم، عهد جدید را قبول دارند که خدا بر سر محبت با عیسی بست.

عهد قدیم $3/4$ کتاب مقدس را در بر می گیرد که شامل مطالب تاریخ، شعر، حکمت و مناجات است. دو نسخه ابری و یونانی باقی مانده است. ترجمه یونانی در قرن سوم میلاد توسط هفتاد تن از علماء یهود انجام شد که سبعینیه نام دارد.

کتاب مقدس یهودیت یا عهد قدیم (عتیق) چند بخش دارد؟

یک) شریعت موسی یا تورات که شامل اسفار (سفر: دفتر-بخش-کتاب) خمسه می باشد (۱) پیدایش ۲ خروج ۳ اعداد ۴ لاویان ۵ تثنیه) و در پایان وفات حضرت موسی ذکر شده است.

دو) بخشی به انبیاء شهرت دارد. کتاب: یوشع، ارمیاء، سموئیل، حذقیال و ...

سه) مکتوبات که شامل مزامیر، غزل، سلیمان، روت، مراسع و تواریخ ایام می باشد. که این مجموعه تا زمان مسیح شکل خود را باز نیافته بود.

عهد جدید که یونانی است و حضرت عیسی (ع) و حواریون به لهجه آرامی از زبان ابری سخن می گفتند.

عهد جدید یا کتاب مقدس مسیحیت چند بخش دارد؟

یک: زندگی نامه و سخنان حضرت عیسی (ع) که شامل چهار انجیل می باشد: (۱) متی (حواری ۲) مرقس (شاگرد پطرس حواری ۳) لوقا (شاگرد پولس حواری) (که بعد از حضرت عیسی (ع) ایمان آورد) (۴) یوحنا که در زمان حضرت عیسی طفل بود. سه انجیل اول همنوا نامیده می شوند! چون سبکی یکسان مطابق با فرهنگ یهودی دارند و درباره ی الوهیت حضرت عیسی (ع) در آن سخنی گفته نشده بر خلاف انجیل یوحنا

دو: تبلیغات و مسافرت های تبلیغی مبلغان مسیحی که یک کتاب است به نام اعمال رسولان.

سه: نامه ها: ۲۱ نامه از حواریون و رسولان ذکر شده است.

چهار: رویا و مکاشفه یک کتاب است که به یوحنا نسبت داده شده است.

اعتبار کتاب مقدس از دیدگاه یهودیان و مسیحیان را بنویسید؟

۱) در قرون وسطی کتاب مقدس اولین بار توسط ابراهیم بن ازراع زیر سوال رفت ایشان از درون اسفار ختمه به مواردی اشاره کرد که نشان می دهد حضرت موسی (ع) نویسندۀ تورات نیست بلکه قرن ها بعد از حضرت موسی ذکر شده است.

۲) محققان مسیحی اعلام کردند که بخش اعظم ترکیب دین متاخر به پولس نسبت داده میشود.

۳) نقد تاریخی کتاب مقدس در قرن ۱۹ که نشان میدهد حضرت موسی (ع) موارد کتاب را قطعی نکرده است.

۴) در زمان هایی تورات ناپدید شد و بعد ها کسانی مدعی یافتن آن شده اند.

دیدگاه قرآن در باب کتاب مقدس را بنویسید؟

از دیدگاه قرآن تورات و انجیل دو کتاب آسمانی بوده اند که خداوند برای هدایت قوم بنی اسرائیل و دیگران فرو فرستاده است. از دیدگاه قرآن دین اسلام و نام پیامبر اسلام (حضرت محمد (ص)) در تورات و انجیل بشارت داده شده است. قرآن به صراحت اعلام میدارد که اهل کتاب به این موضوع آگاهی داشته و پیامبر اسلام را مانند فرزندان خود می شناختند اما با این همه حقیقت را کتمان کردند بنابراین اگر علمای یهودی و مسیحی کتاب آسمانی را تحریف نمی کردند باز هم باید از آئین پیامبر اسلام که تورات و انجیل به آن بشارت داده بودند تبعیت می کردند اما آنان حق را با باطل در آمیختند و حقیقت را پوشاندند.

دلیل دیگر تحریف کتاب مقدس آن است که در آن صفات بسیار ناپسندی به انبیاء الهی نسبت داده شده است که از نظر قرآن ساحت آنان مبرا از این صفات است قرآن پیامبران الهی را معصوم و عاری از گناه میداند اما کتاب مقدس صفاتی نظیر شرابخواری ، مستی ، دروغگویی ، بی غیرتی ، شهوترانی ، بی بند و باری و بی احترامی به پدر و مادر را به انبیاء الهی نسبت میدهد.

تاثیر حاکمیت مسیحیت بر جامعه غرب را بنویسید؟

تاثیر مسیحیت در قرون وسطی به گونه ای رگم خورد که مردم را از دین فراری کرد. آموزه های غیر عقلانی، خشونت، تفتیش عقاید، فساد مالی حکام کلیسا و... عوامل روی گردانی مردم بود. حاکمان کلیسا سند بهشت و آمرزش نامه ها را می فروختند و در مقابل مردم به دنیا طلبی روی می آوردند.

تاثیر اسلام در پیشرفت تمدن اسلامی را بنویسید؟

۱) تشویق اسلام به فراگیری علم: پیامبر طلب علم مورد نیاز جامعه را بر هر مسلمانی واجب کرد. صنعت کاغذ زمانی که در اروپا کاغذ و کتابت را نمی شناختند در بغداد و مصر کاغذ به بهترین کیفیت ساخته می شد. در شیمی ویل دورانت: شیمی از مبدعات مسلمانان است. جابر بن حیان پدر شیمی شناخته شده است. در قلمرو صنعت مسلمانان قبل از اروپائیان کارهایی انجام دادند که به وسیله غربی ها کامل شد مثل: ساعت آبی، آسیای بادی، صنعت چرم سازی و مکانیک. در ریاضی معروف ترین ریاضی دان مسلمان خوارزمی است که در حل معادلات درجه دوم، راه حل هایی نشان داده است. در طب نیز ذکریای رازی و ابن سینا پیش گام بودند. کتاب الحاوی و قانون ابن سینا سالها در دانشگاه های اروپا تدریس میشد.

۲) بسط عدالت: یکی از مظاهر تمدن اسلامی عدالت است. تا آنجا که پیامبر هدف رسالت خود را اجرای عدالت می داند. یکی از ثمرات عدالت شکوفایی استعدادها و به کمال رساندن آن است.

ابعاد عدالت:

الف) عدالت در داوری: تفاوتی بین حاکم و محکوم، فقیر و غنی نیست و حاکم اسلامی باید در تمام ارکان حکومت به عدالت برخورد کند.

ب) عدالت در برابر قانون: همه ی مردم در برابر قانون و اجرای قانون برابرند.

ج) عدالت در حوضه اقتصاد: هر کس به اندازه کوشش خود حق دارد از منافع مادی زندگی بهره گیرد.

د) عدالت در امور معنوی: اسلام نه رهبانیت را قبول دارد و نه رسیدگی به امور صرف دنیا بلکه اسلام دین وسط است.

۳) مدارا و همزیستی مسالمت آمیز: از عوامل پیشرفت تمدن اسلام تاکید اسلام بر همزیستی مسالمت آمیز با پیروان دیگر مذاهب است. قانون اسلام حکم می کند که حکومت اسلامی باید حافظ جان، مال و ناموس اقلیت های مذهبی باشد. حکومت اسلامی نباید هیچ اقلیتی را از تبلیغ مذهب خود منع کند

ضرورت وحی و پیامبری:

که یکی از اصول دین اسلام است.

نبوت یعنی چه؟

نبوت یعنی اینکه خداوند حکیم انسان های والا و شایسته ای را برای هدایت و سعادت انسان برانگیخته است تا دستورات سعادت آفرین او را از طریق وحی دریافت و به آدمیان ابلاغ کند. به برنامه ها و دستورات دین گفته می شود و انسان هایی که حاملان آن هستند پیامبر می باشند. پیامبران برای اثبات حقانیت خود دارای معجزه هستند.

عناصر محوری نبوت دو چیز است:

۱) وحی الهی

۲) پیام آور دین وحی

ضرورت نبوت:

آیا با وجود عقل به پیامبران نیازی است؟

آیا عقل و دانش بشری نمی تواند راه سعادت خود را دریابد؟

(مقدمه اول): آفریدگار هستی حکیم است و حکیم کار بیهوده نمی کند.

(مقدمه دوم): هدف از آفرینش موجودات این است که به کمال برسند. حکمت اقتضاء

می کند که خداوند زمینه رسیدن به کمال را نیز فراهم کند.

(مقدمه سوم): زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی نیست بلکه بعد از آن وارد زندگی دیگری میشود که جاوید و بازتاب زندگی دنیاست. پس از آن جا که عمل انسان در زندگی جاودانه تاثیر دارد باید نسبت به آن شناخت کافی یافت.

(مقدمه چهارم): این شناخت از عهده ی عقل ، حس و تجربه ی آدمی بر نمی آید. نظریات مختلف در مورد خدا ، معاد و مسائل اخلاقی شاهد این مطلب است. مثلا کمونیست ها ماده را به جای خدا و بعضی بت ها را و مسیحیان به تثلیث اعتقاد دارند.

نتیجه: بنابراین حس و عقل به تنهایی نمی تواند راه سعادت همه جانبه را باز شناسد. از این رو نیاز به شناخت معصومانه دیگری داریم که راه صحیح را به ما بنمایاند لذا خداوند راه شناخت دیگری که همان تعالیم انبیاء الهی است را قرار داده ، قرآن می فرماید مردم امتی یگانه بودن پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهند بر انگیخت و با آنان کتاب را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند.

اهداف بعثت انبیاء را بنویسید؟

یک) یاد آوری فطریات: بسیاری از چیزهایی که عقل درک می کند یا در فطرت انسان است بر اثر توجه به مادیات مورد غفلت و فراموشی واقع میشود. اما با یاد آوری انبیاء و بیدار کردن فطرت دیگر بار مورد توجه قرار می گیرند. قرآن می فرماید:

پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای

دو) آزاد کردن انسان از قید بند های نادرست: انبیاء الهی آمده اند تا انسان را از سنت های دروغین آزاد کنند. قرآن می فرماید:

و از دوش آنان که قید و بند هایی را که بر ایشان بوده بر می دارد

سه) دعوت به توحید: مهم ترین هدف انبیاء دعوت به توحید و پرهیز از شرک است. لذا پیامبران با شرک و مشرکان درگیر بوده اند. قرآن می فرماید:

در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید

چهار) برپایی قسط و عدالت در جامعه بشری: قرآن می فرماید:

پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن ها کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند

پنج (آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر آن: انبیاء الهی مردم را با تعالیم الهی آشنا و آنان را از رضایل اخلاقی می پیرایند (پاک میکنند). تا شایسته دریافت حکمت شوند.

شش (بشارت و انذار: خداوند پیامبران را بشیر و نذیر فرستاد تا بر مردم حجت تمام شود. و بعد نگویند اگر بشارت دهنده ای بود ما گمراه نمی شدیم.

هفت (علاج و امراض روحی: یکی دیگر از اهداف پیامبران مداوا کردن بیماری های روحی انسان است.

هشت (به کمال رساندن فضائل اخلاقی: هدف انبیاء انجام هر آنچه خوبی و پرهیز از هر چه بدی است.

معنای لغوی و اصطلاحی وحی را بنویسید؟

هر نوع ادراک و تفهیم سری و پنهانی را وحی گویند. وحی در اصطلاح آگاهی ویژه ای که خداوند آن را در اختیار پیامبران نهاده تا از طریق آن پیام ها و تعالیم خود را به انسان برساند.

صورت های گوناگون وحی را بنویسید؟

یک (روح قوی پیامبر آن را در رویا مثل ... صادق می بیند. مثل خواب حضرت ابراهیم (ع) در مورد ذبح حضرت اسماعیل (ع)

دو (گاهی دستورات الهی به روح و قلب پیامبران الغاء می شود.

سه (خداوند از پشت حجاب با ایجاد صوت با پیامبر صحبت می کند. مثل حضرت موسی (ع)

چهار (گاه وحی توسط فرشته الهی که در برابر پیامبر ظاهر میشود می باشد.

تفسیرهای ناروا از وحی را بنویسید؟

شبهه یک: پیامبران از نوابغ بوده اند و وحی محصول تفکر آنهاست و با ماوراء ماده ارتباطی ندارد.

جواب: این نظریه فقط جهان را عالم ماده می داند در حالی که ما در وجود خودمان حقیقتی نیز داریم به نام روح که هیچ یک از ویژگی های ماده را ندارد. همچنین پیامبران اعلام می کردند که آنچه می گویند وحی الهی است. و برای اثبات سخنان خود به معجزه متوسل می شدند. و اگر پیامبران را از نوابغ بدانیم باید آنها افراد دروغگویی باشند.

شبهه دو: وحی انبیاء را از سنخ تجربه های عرفانی عرفاء می دانند .

جواب: این نیز صحیح نیست زیرا ممکن است که حقایق برای عارفی کشف میشود به گونه ای دیگر برای عارفی دیگر کشف شود حتی مخالف با عارف اول . حتی ممکن است وحنیات (توهومات) و حقایق نادرست به جای صحیح شهود نماید. اما وحی انبیاء الهی خود معیار حقیقت اند. و هیچ گاه انبیاء در مورد وحی خطاء نمی کنند و دیگر اینکه انبیاء برای اثبات حقانیت خود به معجزه متوسل می شوند.

معجزه انبیاء

تعریف لغوی و اصطلاحی معجزه را بنویسید؟

معجزه از عجز است به معنای ضعف و ناتوانی. معجزه به عمل خارق العاده ای گویند که پیامبران برای اثبات ادعای خود می آورند به گونه ای که مردم از آوردن آن عاجزند.

ویژگی های معجزه را بنویسید؟

یک : امور خارق العاده ای که مطابق با قوانین عادی طبیعت نیست. البته بعضی بر اثر ریاضت دست به آن می زنند که آن با تعلیم و تربیت است و حتی ممکن است فرد دیگری اثر آن را خنثی کند. اما معجزه پیامبران قابل تعلیم نیست و نمی شود آن را خنثی کرد.

دو : عمل معجزه همراه با ادعای نبوت است و این عمل مطابق با خواسته ی اوست.

سه : معجزه همراه تحدی است یعنی مردم را دعوت می کند مانند آن را بیاورند و اگر با تحدی نباشد به آن کرامت گفته می شود.

یکی از شرایط نبوت عصمت است.

معنای لغوی و اصطلاحی عصمت را بنویسید؟

عصمت در لغت به معنی منع و بازداشتن و نگهداری است و در اصطلاح معصومیت خاص و ملکه‌ی نفسانی است که پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا و اشتباه باز می‌دارد.

اقسام عصمت را بنویسید؟ و توضیح دهید؟

یک : عصمت در دریافت ، حفظ و ابلاغ وحی

دو : عصمت از معصیت و گناه

سه : عصمت از خطا و اشتباه در امور فردی و اجتماعی

توضیح یک : عصمت انبیاء در دریافت ، حفظ و ابلاغ وحی بدون این نوع عصمت ارسال رسولان عبث است. اگر بر پیامبر وحی شود ولو بین وحی و القاعات درونی خود و القاعات دیگران تفاوت نهد و آنها را با یکدیگر مخلوط کند یا به تردید افتد و یا اینکه وحی را درست دریافت نموده ولی در مقام ابلاغ و حفظ آن اشتباه کند. اعتماد به چنین پیامبری روا نیست.

دلیل عقلی : چون خداوند حکیم و قادر است باید وحی بدون هیچ خطائی به مردم برسد پس **خداوند** هر مانعی از سر راه بر میدارد تا وحی به طور صحیح به مردم برسد.

دلیل نقلی : قرآن می‌فرماید: **کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، جز پیامبری را که از او خشنود باشد.** برای او نگهبانانی از پیش رو و پشت سرش برگماشت تا معلوم بدارد تا پیام‌های پروردگار خود را رسانیده است.

توضیح دو : پیامبران باید از هر گونه گناه ، نا فرمانی و لغزش مصون و هیچ حرامی را مرتکب نشوند.

دلیل عقلی : همان طور که گفتار پیامبر می‌تواند راه را به مردم نشان دهد عمل او شدید تر چنین است. در روایات آمده که مردم را با غیر زبان یعنی عمل دعوت کنید. پس اگر

پیامبری مرتکب حرامی شود مردم در تشخیص راه صحیح دچار اشتباه خواهند شد و این خلاف حکمت است. پیامبران عهده دار تربیت مردم اند پس با اعمال نا شایسته نقشی بسیار منفی در تربیت انسان ها ایفا می کنند لذا پیامبران باید از هر گناه و آلودگی پیراسته باشند به همین دلیل نباید در پیامبران ویژگی های نا پسند و حتی بیماری های واگیر دار وجود داشته باشد، چون باعث تنفر مردم میشود.

دلیل نقلی: در قرآن ذکر شده که انبیاء بندگان مخلص اند و شیطان هیچ تصرفی بر آنان ندارد، دوم در قرآن امامت به عهد الهی یاد شده که به افراد ظالم نمی رسد و ظلم مترادف با عصیان و گناه است، سوم پیامبران را خدا برگزیده و هدایت کرده پس کسی قادر به گمراه کردن او نیست.

توضیح سه: پیامبران در امور عادی نیز از خطاء مصون اند. چرا که این ها نیز از اعتماد مردم می گاهد.

عامل و منشاء عصمت چیست؟ (آیا عصمت مانع اختیار است؟)

۱- پیامبران از نظر شناخت و آگاهی در مرحله ای هستند که هیچ چیز را بر رضایت خدا ترجیح نمی دهند و در محضر خدا فکر گناه نیز به ذهنشان خطور نمی کند.

۲- پیامبران از نتایج اطاعت خدا و پیامد های ناگوار معصیت آگاهی کامل دارند مانند کسی که از عاقبت دست زدن به سیم برق اطلاع دارد.

۳- پیامبران که عصمت دارند عصمت مانع اختیار آن ها نیست و قدرت انجام گناه را دارند ولی به خاطر آنکه به عواقب آن علم دارند آن را انجام نمی دهند. **خداوند** می فرماید: **ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی پیامش را نرساندی.** اینکه می گویند اگر ابلاغ نکنی یعنی اینکه پیامبر اختیار دارد ابلاغ بکند یا نکند.

نقش دین در زندگی دنیایی را بنویسید؟

دیدگاه اول می گوید دین جنبه فردی دارد و دیدگاه دوم می گوید خداوند دین را برای سعادت دنیا و آخرت انسان ها نازل فرموده و سعادت اخروی انسان بازتاب سعادت زندگی دنیایی است.

جامعیت و کمال دین را توضیح دهید؟

اعمال انسان ابعاد مختلفی مانند فردی، جسمی، اجتماعی، روحانی و اخروی دارد. رفتار انسان گاهی متوجه خود او یا خدا و یا اجتماع است. جامعیت دین بدان معناست که دین اسلام به همه ی این ابعاد نظر دارد و برای تمامی آن ها متناسب با نیازهای انسان قوانین عام و خاصی وضع نموده است.

شباهت مربوط به دین را بنویسید؟

یک: گروهی پنداشتند که دین برای سعادت اخروی است و تدبیر زندگی دنیوی به عقل و انباده شده است در حالی که قرآن بخشی از اهداف پیامبران را تنظیم روابط اجتماعی بر اساس عدالت و مبارزه با مفساد اجتماعی می داند.

دو: احکام اسلام جاودانه و برای همه ی عصرهاست پس باید اصول آن ثابت باشد. زندگی انسان متغییر است اگر دین سعادت دنیوی وی را مورد توجه قرار می دهد چگونه اصول ثابت می تواند با زندگی متغییر ثابت باشد بنابراین باید گفت دین برای سعادت اخروی آمده نه تبدیل زندگی دنیوی.

جواب شبهه اول: (۱) زندگی اخروی از زندگی دنیوی جدا نیست. (۲) بسیاری از احکام و براهین الهی مبتنی بر تشکیل حکومت و تدبیر زندگی دنیوی توسط متولیان دین است.

جواب شبهه دوم: دین حکم کلی ثابت را بیان می کند که می توان هر مسئله ی جزئی را با توجه به آن کلیات آشکار نمود مثل علم ریاضی که اصول آن ثابت است ولی هر مسئله ای را می توان با توجه به آن اصول ثابت حل کرد. قرآن با تعقل و خرد ورزی مخالف نیست و در برخی موارد تدبیر زندگی را بر عهده ی عقل و انباده است و عقل یکی از منابع اسلامی است.

تعریف سکولاریسم را بنویسید؟ و دیدگاه اسلام در باب سکولاریسم را توضیح دهید؟

سکولاریسم در زبان فارسی به معنای دنیا مداری، دنیامحوری، دین گریزی و دین جدایی است. سکولاریسم یک ایدئولوژیست که مدافعان آن همه ی امور ماوراء طبیعی و کارکرد

های آن را نفی می کنند و از اصول ضد دینی به عنوان مبنای اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی دفاع می کنند و از لحاظ سیاسی دین را از سیاست جدا می دانند.

دیدگاه: پیامبران آمده اند که انسان را از ظلمت برهاند و عدالت را در جامعه برپا کنند. لازمه ی این اهداف آن است که سرپرستی جامعه را بر عهده گیرند پاره ای از مسلمانان سکولار بر این باورند که اگر دین در سیاست دخالت کند از قداست آن کاسته می شود. اینان از دین فاصله گرفته اند چرا که پیامبر امور دینی و دنیوی مردم را برعهده داشت اجرای احکام نیز نیازمند تشکیل حکومت است.

معنای لغوی و اصطلاحی لیبرالیسم را بنویسید؟ و آن را نقد و بررسی نمائید؟

لیبرالیسم به معنای آزادی خواهی و آزاد منشی است. لیبرال فردی است به آزادی و اختیار و قدرت انتخاب انسان اعتقاد دارد.

نقد و بررسی: لیبرال ها بر این باورند که آزادی به معنای آزاد شدن فرد به حال خود است تا فارغ از دیگران به دلخواه خویش عمل کند این معنای از آزادی جنبه ی منفی است زیرا مبتنی بر نبود محدودیت و الزامات خارجی برای فرد است. پرسش اساسی این است که عادلین آزاد باشند تا چه کاری انجام دهند؟. تمایلات انسان دو دسته است: حیوانی و انسانی. انسان لیبرال از قید و بند های خارجی آزاد شده است تا تمایلات حیوانی و نفسانی خود را ارضاء کند. درست است که انسان لیبرال به ظاهر خود را از اسارت و قدرت های بیرونی فارغ نموده اما برده و اسیر تمایلات نفسانی خود شده است.

گوهر مشترک دین و راز تعدد شریعت ها

گوهر مشترک دین چیست؟

حقیقت مشترک همه ی شریعت های الهی اسلام است. اسلام همان تسلیم بودن در برابر خداست. همه ی ادیان در اصول دین یعنی توحید، نبوت و معاد و اصول اخلاقی مشترک اند.

راز تعدد شریعت ها چیست؟

چون شرایط زندگی انسان ها متفاوت است احکام فرعی با هم متفاوت است. بنابراین شریعت های گوناگون متناسب با استعداد ها و شرایط زندگی انسان ها و مقام انبیاء الهی شکل می گیرد. شرایع در اصول مشترک اند ولی در برخی احکام به مقتضای زمان با هم تفاوت دارند.

راز جاودانگی و حقانیت شریعت اسلام کدام است؟

قوانین اسلام بر اساس ساختار وجودی فطرت انسان وصف شده اند و چون این گوهر وجودی در طی قرون ثابت است . و قوانین اسلام ثابت و پا برجاست و رمز بقای قوانین اسلام نیز همین است.

انسان همواره با مسائل تازه روبرو می گردد و با توجه به محدودیت و ثبات قوانین اسلام چگونه حکم این مسائل تعیین می گردد؟

منابع احکام اسلام آنچنان غنی است که حکم هر مسئله ای را می توان با توجه به این منابع تعیین نمود.

علاوه بر قوانین اسلام چه ابزاری در اختیار عالمان دین است؟

۱- حجیت و حکم عقل همتراز با حجیت قرآن و روایات است. عقل یکی از منابع فقه اسلامی است.

۲- قاعده اهم و مهم: اسلام تابع مصالح و مفاسد است. مفسده و مصلحت چیزها یکسان و مساوی نیست. مصلحت کم اهمیت تر فدای مصالح مهم تر می شود.

۳- گشوده بودن باب اجتهاد: عالمان دین با استفاده از روایات، اجماع، عقل در پرتو اجتهاد پویا و زنده حکم مسائل و حوادث جدید را استنباط می کنند.

۴- پیروی از قواعد فقیه: در اسلام قواعد نظیر نفی حرج و نفی ضرر وجود دارد. که فقها این قواعد را قواعد حاکمه نامیده اند یعنی قواعدی که بر تمام احکام و مقررات اسلام چیره اند و بر همه ی آن ها حکومت می کنند. در پایه ی این قواعد هر حکمی مستلزم هرج و مشقت و ضرر و زیان باشد برداشته می شود.

کثرت گرای دینی

آیا مذاهب و شریعت های مختلف از حقانیت و نجات بخشی یکسانی برخوردارند؟ (آیا همه ی آن ها حق و عمل آن ها موجب رستگاری است یا اینکه یکی حق و بقیه باطل اند؟)

۱- حقانیت و نجات بخشی مطلق یک دین (انحصار گرایی): تنها یک دین حقانیت کامل دارد و بقیه مذاهب هر چند ممکن است حق باشند ولی حق مطلق نیستند.

نقد و بررسی: اسلام در جایگاه کامل ترین دین خود را حق و نجات بخش مطلق می داند. اما مذاهب قبل از خود را تائید و اعلام می کند که ادیان دیگر تحریف شده اند. مردم وظیفه دارند که دلایل مذاهب مختلف را با توجه به معیار هایی که در اختیار دارند ارزیابی کنند.

اشکال: اینکه یک دین به طور مطلق حق باشد و پیروان مذاهب دیگر در آخرت گرفتار عذاب شوند با رحمت و اسعه خداوند منافات دارد. اسلام معتقد نیست که بیشتر انسان ها هر چند پیروان مذاهب دیگر گرفتار عذاب می شوند. از دیدگاه اسلام انسان ها دو گروه می شوند ۱- گروهی که بر اثر عوامل محیطی و تبلیغی نتوانسته اند به حقانیت اسلام پی ببرند که به جهت استضعاف فکری محکوم به عذاب الهی نخواهند بود. ۲- گروهی که به آخرین شریعت دسترسی داشته و می توانستند آئین حق را بشناسند. اما تقصیر و کوتاهی کرده اند که مورد عذاب الهی واقع خواهند شد.

۲- شمول گرایی: مدافعان این دیدگاه معتقدند با این که دین مسیحیت از حقانیت و نجات بخشی مطلق برخوردار است کسانی هم که مسیحی نیستند می توانند به سعادت برسند. غیر مسیحیان حتی بدون آگاهی خود مسیحیان گم نام نامیده شوند.

نقد و بررسی: هر دینی آموزه های شناختی دارد که گاه این آموزه ها با هم متعارض و ناسازگار است. مثلا مسیحیان به تثلیث و اسلام به خدای واحد. حال اگر پیروان هر دینی اظهار کنند که دین آن ها حق است عملا با آموزه های ناسازگار روبرو می شویم. وظیفه ی هر انسانی آن است که با تامل سعی کند به آموزه های صحیح دست یابد. حال اگر انسانی به نتیجه برسد خدا واحد است اما باز مخالفت کند آیا باز هم اهل نجات است؟

۳- کثرت گرایی: بر اساس این دیدگاه همه ی مذاهب هم زمان از حقانیت یکسان برخوردار می باشند این دیدگاه آموزه های متناقض همه ی مذاهب را صحیح و همه ی مذاهب را اهل نجات می داند. در این دیدگاه معتقدند که یک واقعیت متعالی در خارج وجود دارد که انسان ها تفسیرهای گوناگون از آن دارند و تفسیرهای هیچ دینی مطابق با واقع نیست.

نقد و بررسی: ۱- شما که گوئید یک واقعیت خارجی است و هیچ دینی نباید تفسیر خود را مطابق آن بداند. خودتان به چه روشی به این واقعیت خارجی رسیدید. ما می توانیم از این روش استفاده و صفات دیگر آن را کشف و یک تفسیر صحیح از خدا داشته باشیم نه همه ی تفسیرها اما اگر روشی برای شناخت صحیح وجود ندارد از چه راهی می توان وجود آن را کشف کرد. ۲- هر مذهبی تفسیر خاص خود را از خدا دارد و آن را صحیح می داند و دیگر تفسیرها نادرست است. بنابراین اگر گفته شود شما تفسیر خود را از خداوند به خارج نسبت ندهید آن ها نخواهند پذیرفت.

رابطه ی علم و دین

یافته های علمی با دین سازگار است یا ناسازگار؟ و در صورت ناسازگاری ترجیح با کدام است؟ دیدگاه اسلام درباره ی علوم تجربی چیست؟ منظور از علم در این بحث ، علوم تجربی به ویژه علوم طبیعی است؟

منظور از دین ادیان ابراهیمی است یعنی: یهودیت ، مسیحیت و اسلام

ویژگی های علوم تجربی را بنویسید؟

- ۱- علوم تجربی از طریق روش تجربی با مشاهده و آزمایش بدست می آید و در امور غیر مادی نمی تواند به فعالیت پردازد.
- ۲- مفاهیم و قوانین علمی باز نمود جهان عینی اند.
- ۳- در قلمرو علوم تجربی ، صحت هیچ نظریه ای را نمی توان اثبات کرد و در حوضه علوم تجربی هرگز یقین به دست نمی آید. با این حال ، پیشرفت های علوم تجربی برخی را به این فکر وا داشت که روش علمی تنها راه کشف حقایق عالم است. بر

این اساس اخلاق و مسائل دینی از گردونه ی کاوش انسان کنار نهاده شد و نگاه علمی به فلسفه ی مادی گرایانه انجامید.

دیدگاه اسلام درباره ی علوم تجربی را بنویسید؟

خداوند در قرآن بر تعقل و تفکر تاکید نموده تا آنجا که فرموده: آن چه بدان علم ندارید تبعیت نکنید. بنابراین اگر عقل و یا علم به نتیجه ای قطعی رسید از دیدگاه اسلام قابل اعتناء و پیروی است. بنابراین یافته های علوم تجربی با آموزه های دینی در تلافی نیست اما ناسازگاری علم با دین مسیحیت و یهودیت به دلیل تحریفاتی است که در آن ها رخ داده است و نباید به حساب کتاب آسمانی از جمله قرآن گذاشت.

انواع رابطه ی علم و دین را بنویسید؟

۱- علم و دین دو شیوه ی بیان یک واقعیت اند: گزاره های علمی و دینی حقایق مشترکی را درباره ی جهان بیان می کنند. اما به دو شیوه مختلف که اگر به دستی تحلیل گردند روشن می شود در توافق با یکدیگر هستند مثل بیان حرکت زمین که قرآن آن را مثل گهواره بیان کرد و دانشمندان دیگر مانند گالیله و کوپرنیک از طریق تجربی به حرکت زمین اشاره می کنند.

۲- علم تایید کننده ی دین: نظریات علمی پشتوانه ی آموزه های دینی است. هر چه علم اسرار و قوانین طبیعت را کشف کند بهتر می تواند به **خدا**ی حکیم آگاه گردد. قرآن مسئله ی زوجیت را پیام می کند اما در قرن هجدهم میلادی مسئله ی زوجیت عمومی کشف می شود.

۳- علم و دین مکمل یکدیگرند: دین و علم هر یک جنبه ی خاصی از حقیقت را بیان می کند و شناخت کامل حقیقت مستلزم آن است که هر دو نگرش را گرد آوریم. گاهی نیز دین وظیفه ی علم را انجام می دهد. حال اگر بین بیان دینی و بیان علمی تعارض واقع شود چه باید کرد؟ راه حل این است: از یک سو نظریات علمی قطعی و یقینی نیست و از سوی دیگر متون دینی تا حدی مجال تفسیر و تاویل است. یعنی در تعارض یا تفسیر از دین صحیح نیست و یا اینکه نظریه علمی قطعی نمی باشد.

۴- ناسازگاری علم و دین: دین و علم در برخی از مسائل ناسازگارند و نمی توان هر دو را پذیرفت. از این رو عده ای واقع نمایی نظریات علمی را انکار نموده ، از ابزار

انگاری نظریات علمی دفاع کردند، برخی دیگر نیز در مسئله‌ی تعارض علم و دین جانب علم را گرفتند. و از این دست شستند که با توجه به غیر قطعی بودن نظریات علمی این دیدگاه صحیح نیست.

۵- جدایی کامل حوضه‌ی علم از دین: بر طبق این دیدگاه حوضه علم از دین کاملاً جداست. و هیچ گونه تعارضی با هم ندارند. زیرا تعارض بین دو چیز در صورتی پیش می‌آید که موضوع واحدی داشته باشند اما در جایی که موضوع و هدف آن دو چیز متفاوت است بین آن‌ها تعارضی وجود ندارد.

تعریف اسلام را بنویسید؟

اسلام در لغت به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن می‌باشد. حضرت ابراهیم (ع) اولین کسی است که دین را اسلام و پیروان آن را مسلمان نامید. در اصطلاح اسلام آخرین و کاملترین شریعتی است که **خداوند** برای هدایت همه‌ی انسان‌ها تا ابد نازل فرموده است. قوانین آن مطابق عقل و فطرت آدمی و پاسخ‌گوی همه‌ی نیازهای فردی و اجتماعی و هدایتی انسان است.

قرآن و سنت

قرآن رحمت شفا بخشی است که **خداوند** از سر لطف به انسان‌ها ارزانی داشته است در گستره‌ی فرهنگ دینی هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن از اتقان و اعتبار تاریخی به حقانیت برخوردار نیست. این کتاب را **خداوند** برای مردم نازل و خود نگهبان آن است تا از هر تحریفی مصون بماند. ثمره‌ی همگان از این کتاب یکسان نیست و بر اثر استعداد افراد مراتبی دارد. قرآن ظاهر و عمقی دارد، باطن منافی ظاهر نیست، بیان قرآن به عهده‌ی پیامبر و بعد از او بر عهده‌ی امامان معصوم است و امامان معصوم به عهده‌ی علماء و مفسران قرار داده‌اند.

ابعاد اعجاز قرآن را بنویسید؟

قرآن از جنبه‌های مختلف دارای اعجاز است.

۱) فصاحت و بلاغت: قرآن به زبان عربی است اما ساختار آن به شیوا ترین و رساترین وجه است. شیواترین و زیبا ترین الفاظ فصاحت و بهترین شیوه رساندن معانی به مخاطبان بلاغت قرآن است. یکی از ادیبان عرب به نام ولید بن مغیره می گوید ((من از محمد سخنی شنیدم که نه به سخن انسان ها شبیه و نه به سخن جنیان. سخنی است والا که هیچ سخنی والاتر از آن نیست و هرگز قابل رقابت نمی باشد.)) **خداوند** قرآن را به عنوان معجزه ی پیامبر برگزید تا با هنر مردم آن عصر که سخن وری و شاعری بود متناسب باشد.

۲) اعجاز قرآن از لحاظ معارف الهی: قرآن دارای ژرف ترین معارف و عادلانه ترین قوانین و حکیمانه ترین مناسک عبادی و کارآمد ترین شیوه تربیتی است هرچه علوم بشری بیشتر پیشرفت می کند حقایق آن بیشتر جلوه گر می شود و همه ی این معارف را فردی درس ناخوانده بیان کرده که در طول چهل سال زندگی او از او شنیده نشده بود. پس پیدایش قرآن با این معارف از فردی درس ناخوانده جنبه ی دیگر اعجاز است.

۳) اعجاز قرآن از نظر هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا: آیات قرآن طی بیست و سه سال به تدریج بر پیامبر نازل شد. اما شیوه و سبک بیان و محتوای مطالب قرآن تغییر نکرده است اگر قرآن از سخنان پیامبر بود دارای این هماهنگی نبود. به دو دلیل: یک) آثار فکری و مهارت انسان به مرور کامل می شود و چنین تکاملی در سخنان فرد آشکار می شود. حال که در آیات قرآن هیچ اختلافی مشاهده نمی شود. دو) حالات انسان از قبیل غم و شادی در گفتار او تاثیر می گذارد حال آنکه می بینیم قرآن هیچ تغییری در طرز گفتاری آن وجود ندارد پس این سخنان نمی تواند سخنان فرد عادی باشد. قرآن می فرماید: آیا در قرآن نمی اندیشید ، اگر از جانب غیر **خدا** بود در آن اختلاف بسیاری می یافتند.

۴) اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش: در آیات متعددی از قرآن از اسرار هستی پرده بر می دارد که کشف این اسرار را برای فردی درس ناخوانده جز از طریق وحی امکان پذیر نیست. قرآن به دلیل جنبه تربیتی برخی از اسرار طبیعت را می گوید و به دلیل شرایط علمی عصر نزول اسرار را با اشاره و کنایه بیان کرده است. نمونه هایی از آن عبارت اند از: الف) حرکت زمین: قرآن می فرماید: **همان کسی که زمین را برای شما گهواره ای ساخت**

این نشان این است که زمین در حال حرکت است در حالی که در آن عصر می پنداشتند سیارات به دور زمین حرکت می کنند. ب) تلقیح نباتات به وسیله باد: قرآن می فرماید: **و بادها را باردار کننده فرستادیم. ج)** جاذبه ی عمومی: قرآن می فرماید: **خدا کسی است که آسمان ها را بدون ستون هایی که ببینید برافراشت.** منظور از این ستون ها همان نیروی جاذبه و دافعه است که نگهدارنده اجرام آسمانی است.

۵) اعجاز قرآن از نظر خبرهای غیبی: قرآن از حوادث مهمی که مربوط به آینده است خبر داده که بعد ها دقیقا به وقوع پیوسته است. این خبرهای غیبی به همراه دعوی نبوت دلالت بر این دارد که آن ها وحی الهی می باشد. ممکن است برخی بر اثر ریاضت نفسانی برخی از حوادث آینده را پیش بینی می کنند اما این به طور قطعی نیست و دعوی نبوت ندارد. نمونه های خبرهای غیبی: الف) ناتوانی انسان از معارضه با قرآن: پیامبر از جانب قرآن فرمود: **اگر جن و انس با هم جمع شوند نمی توانند قرآن را بیابند** ولی آدمی هنوز نتوانسته مثل قرآن را بیاورد. ب) پیروزی رومیان پس از مدت کوتاهی: سپاه ایران سپاه روم را شکست داد و شام و فلسطین و آفریقا را فتح کرد و مشرکان آن را به فال نیک گرفتند که سپاه ایران به زودی سپاه اسلام را شکست می دهد. اما قرآن اعلام کرد که رومیان در کمتر از ده سال ایران را شکست می دهند و این پیش بینی در سال دوم هجری محقق شد. و با این پیروزی مسلمانان در جنگ بدر بر قریش غالب شدند. ج) پیروزی پیامبر بر مشرکان: گروهی از مردم مکه هرگاه پیامبر را در کوچه و بازار می دیدند به طعنه زده که این مرد مدعی است که من پیامبرم و فرشته ی وحی به من نازل می شود. آیه آمد که **خداوند** ریشخند آنان را بر طرف خواهد کرد و بدین ترتیب از کمک های **خداوند** به او پرده برداشت. د) خبر بازگشت پیامبر به مکه: هنگامی که پیامبر مکه را ترک کرد در بین راه در این فکر بود که آیا دوباره به مکه بر می گردد. آیه به پیامبر وعده داد که تو را به مکه باز خواهد گرداند.

مصونیت قرآن از تحریف

کتاب های آسمانی پیامبران قبل نظیر تورات و انجیل تحریف شده اند. قرآن و شواهد تاریخی و عقلی این مسئله را اثبات می کند. حال آیا قرآن بدون کم و کاست و بدون هیچ تحریفی به همان صورت نخستین است. دلایل تحریف ناپذیری قرآن را بنویسید؟

۱) تاریخ گواه آن است که مسلمانان به آموزش و حفظ و کتابت قرآن عنایت ویژه ای داشتند. چگونه می توان گفت با این همه قاری و حافظ و علاقه مندی قرآن تحریف شده باشد. اگر تحریفی بود در تاریخ ثبت می شد و مسلمانان در برابر آن واکنش نشان می دادند.

۲) **خداوند** خود در آیه ای حفظ و صیانت قرآن را بر عهده گرفته است. همچنیندر آیه ای دیگر فرموده هیچ باطلی در قرآن راه ندارد و کم و زیاد شدن قرآن راه یافتن باطل به آن است. پس هیچ کم و زیادی در آن راه ندارد.

۳) امام علی (ع) و سایر امامان هیچ گاه در مورد تحریف قرآن سخنی نگفته اند. در صورتی اگر تحریفی بود هرگز سکوت نمی کردند.

سنت

پیامبر علاوه بر ابلاغ وحی توضیح وحی را نیز به عهده داشت. زیرا جزئیات احکام در قرآن نیامده. مثلاً آمده است که نماز بخوانیم. اما نیامده چند رکعت بخوانیم.

تعریف سنت را بنویسید؟

سنت در لغت به معنای روش و طریقه است که هم در قرآن و هم در روایات به کار رفته است اما در اصطلاح تمام گفتارها و کردارها و تقریرهای معصومان سنت نامیده می شود.

اقسام سنت را تعریف کنید (بنویسید)؟

یک) گفتار: به مطلبی که پیامبر و امامان معصوم در توضیح آیات الهی بیان می کنند گفتار می گویند. دو) کردار: کارهای معصوم نیز دست کم در مباح بودن و مشروعیت آن عمل دلالت دارد. سه) تقریر: اگر شخص یا گروهی در حضور معصوم عملی انجام دهند. یا سخنی بگویند و امام مخالفتی نکند و سکوت نماید. این سکوت را تقریر و امضای معصوم

می نامند. زیرا آن عمل اگر حرام باشد بر معصوم واجب است از باب ارشاد و یا امر به معروف آن را بیان کند.

دلایل حجیت را بنویسید؟

یک) آیات **خداوند** تبیین آیات الهی را بر عهده پیامبر می گذارد. دو) **خداوند** در آیه ای اطاعت از خود و پیامبر و اولی الامر را واجب کرده که یکی از وظایف پیامبر و امام تبیین حجت است پس حجت هستند. سه) مطابق بعضی از آیات پیامبر هرچه بیان می کند بخشی از وحی است. چهار) پیامبر در حدیث ثقلین قرآن و عترت را هم سنگ قرار داده بنابراین کلام آنان هم سنگ قرآن است و حجت می باشند. پنج) پیامبر اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه کرده که پیروی از گفتار و عمل آنان انسان را نجات می دهد. پس سنت معصوم حجت است.

عقل و جایگاه آن در شناخت دین

تعریف عقل را بنویسید؟

عقل در لغت به معنای منع و باز داشتن است. و در اصطلاح قوه ای است در انسان که او را از سایر حیوانات متمایز می کند. و انسان با آن تفکر و استدلال می کند و خوب و بد را از هم می شناسد.

تقسیمات عقل را بنویسید؟

یک) عقل نظری: که عقل اموری را درک می کند که بدون واسطه و مستقیماً موثر در مقام عمل نیست که حوزه عقل بودها و هست ها می باشد. مثل محال بودن اجتماع نقیضین. دو) عقل عملی: که عقل اموری را درک می کند که مستقیماً در مقام عمل است. که متعلق عقل خوبی ها و بدی ها یا باید ها و نباید ها است.

دلیل حجیت عقل را بنویسید؟

حجیت احکام یقینی عقل نظری و عملی، ذاتی است. و نیاز به منبع دیگری ندارد البته این حجیت مخصوص احکام بدیهی است. لازمه ی عدم حجیت احکام یقینی عقل شکاکیت محض است عالمان امامیه برآنند که عقل جدای از حکم دین و شریعت می تواند زشتی و

زیبایی و حسن و قبح و پاره ای از افعال را درک کند. در مقابل اشاعره گویند هیچ فکری نه به خودی خود زیباست و نه زشت و گویند حسن و قبح منشا دیگری جزء امر و نهی شارع ندارد. دلیل شیعه این است اگر حسن و قبح ذاتی نباشد شرع و دین هم ثابت نمی شود. و اگر پیامبر بگوید دروغ زشت است از او نمی توان پذیرفت چرا که ممکن است دروغ گفته باشد. امام صادق (ع) می فرماید: **بندگان خدا با عقل، کار پسندیده و زیبا را از ناپسند و زشت تشخیص داده اند.**

رابطه ی عقل و دین را بنویسید؟

دو دیدگاه در این جا وجود دارد: ۱ ایمان گرایی ۲ عقل گرایی

ایمان گرایی: حدود دین را قلمرویی می داند که فعالیت عقلانی در آن کارآمد نیست و معتقدان این دیدگاه گویند متدینان نباید بر اساس عقل باورهای دین را بپذیرند. در مقابل عقل گرایان: گویند اعتقادات دینی قابل ارزیابی و به نوعی سازگاری بین دین و عقل معتقدند. از دیدگاه اسلام عقل و دین دو موهبت الهی است که **خداوند** به بشر ارزانی داشته است. عقل دین را و دین عقل را تایید می کند. امام صادق (ع) می فرماید: **هر کس که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می رود.**

خاتمیت

یکی از ضروریات دین اسلام مسئله خاتمیت است. خاتمیت بدین معناست که سلسله ی پیامبران با پیامبر اسلام ختم می شود و بعد از او پیامبری نخواهد آمد.

خاتمیت در قرآن را توضیح دهید؟

قرآن می فرماید:

لاکن رسول الله و خاتم النبیین

محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده ی **خدا** و خاتم پیامبران است. خاتم از ختم به معنای پایان دادن به چیزی است. بعضی گفته اند خاتم به معنای زینت تمام پیامبران است نه پایان دهنده. جواب: این که خاتم به معنای زینت نیست بلکه به

معنای انگشتر است. چون پایان نامه ها را با آن مهر و ختم می کردند. اشکال: اگر گفته شود آیه گفته خاتم پیامبران ولی پیامبر خاتم رسولان نیست؟ جواب: این که نبی و رسول دو معنای متفاوت است. نبی به کسی گفته می شود که از طرف **خدا** به او وحی می شود خواه مامور باشد به مردم بیان کند یا نباشد. اما رسول دارای سه امتیاز زیر است:

۱- مامور است که آنچه به او وحی شده است به مردم بگوید.

۲- دارای شریعت باشد.

۳- دارای کتاب باشد.

لذا هر که رسول هست نبی هم هست ولی هر کس نبی باشد رسول نیست. بنابراین ختم نبوت یعنی ختم رسالت. طبق فرمایش پیامبر تعداد انبیاء ۱۲۴۰۰۰ نفر و رسولان ۳۱۳ نفر است. پس پیامبر خاتم انبیاء و رسولان است. آیات دیگر اشاره دارد که دین کامل شده است و دین دیگر و پیامبر دیگر لازم نیست. یا قرآن می فرماید: **ای پیامبر بگو من پیامبر خدا به سوی شما هستم**. یعنی پیامبر جهانی و دین همگانی و دیگر نیازی به رسول دیگری نیست.

خاتمیت در روایات را توضیح دهید؟

پیامبر فرمود یا علی تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی مگر آنکه بعد از من پیامبری نیست. این حدیث بیان می کند که بعد از پیامبر پیامبری نیست.

شبهات درباره ی خاتمیت را بنویسید؟

یک) خاتمیت پایان دوره حکمیت غریزه: اقبال لاهوری گوید زندگی انسان در گذشته بر اساس غریزه اداره می شد. که وحی مربوط به دوران غریزه است. خاتمیت یعنی پایان دوران غریزه با هدایت بر اساس وحی و ظهور دوره هدایت عقل. نقد و بررسی: لازمه ی بیان اقبال آن است که انسان ها نه تنها به وحی و پیامبری جدید نیاز ندارند بلکه از راهنمایی وحی نیز مطلقاً بی نیاز اند. چرا که هدایت عقل جانشین هدایت وحی شده است و این به معنای ختم دیانت است نه ختم نبوت.

دو) خاتمیت پایان دوران ولایت شخصی: بعضی گفته اند خاتمیت یعنی پایان دوران شخصی پیامبر. پیامبر ولایت شخصی داشت بدین بیان که سخن او نوعاً آمرانه و از موضع

بالا و اغلب هم بدون استدلال است. جواب: استدلال خطابات پیامبر در خود خطاب پیامبر است و سخنان ایشان در قالب وحی به گونه ای است که خود استدلال است. از طرف دیگر قرآن مردم را به تعقل و تفکر فرا می خواند.

سه) ناسازگاری خاتمیت با مرجعیت علمی امامان معصوم: گویند اگر سخنان ائمه معصومانه باشد در رتبه ی وحی است و این با خاتمیت سازگار نیست. نقد و بررسی: روایات ائمه هم تراز با قرآنند. یعنی همان گونه که قرآن از هر نوع تحریفی مصون است اهل بیت نیز از هرگونه خطائی فکری و عملی مبرایند. بنابراین خاتمیت و مرجعیت امام ها با هم ناسازگاری ندارد.

دوستانه:

این جزوه بر اساس کتاب اندیشه اسلامی ۲ (نوشته آیت الله جعفر سبحانی و دکتر محمد محمد رضایی) نوشته شده است. که در آن فصول چهار: امامت و ولایت و پنج: مرجعیت و ولایت در عصر غیبت آورده نشده اند. لذا دوستان برای خواندن آن دو بخش به کتاب مراجعه نمایند.